

خلافت راشدہ آئینہ تمام نمای نبوت

عبد القادر دہقان

می شود و نه بر کثرت فتوحات و پیروزی‌های پی در پی در میدان کشور گشایی. آری! اگر این چیزها معیار قرار داده شود، پس باید ولید بن عبدالملک و هارون الرشید را

بزرگترین خلفای راشد دانست. خلافت راشدہ عبارت است از نیابت کامل از طرز تفکر و خط مشی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حال بدانیم که تفکر و جهان بینی! اختصاصی خط مشی و ممتاز پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چیست؟ آری! خط مشی و بینش اقتصادی آنحضرت عبارت است از ایمان قوی اراده آهنین در راه اطاعت و اجرای فرمان خدا، شهود غیبی، فدا نمودن مصالح و منافع شخصی در برابر احکام الهی. ترجیح دادن آنحضرت بر دنیا و فقر و ساده زیستن بر ثروت و خوشگذرانی. ایثار و از خود گذشتگی و خیر خواهی، کوشش برای اینکه دیگران را بیشتر از اسباب آسایش دنیوی بهره مند کنند و خود کمتر برخوردار شوند و... آنچه بیان شد، صفات مجملی هستند که سراسر زندگی عملی و سیره کامل نبوی شرح و تفصیل آنها است. فداکاری‌های بدور و خندق، سفر طاقت فرسای تبوک، صلح حدیبیه، فتح مکه و زندگی زاهدانه بیست و سه ساله پیامبر اسلام که در آغاز آن اسارت در شعب ابی طالب و پایان آن آخرین شب زندگی نبوی بود که در خانه‌اش چراغی هم وجود نداشت و زره آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - در برابر سی صاع جو نزد مردی یهودی گرو بود، جلوه‌هایی از این صفات روحانی متعالی هستند. (۱)

حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - بر اساس این معیار، زندگی زاهدانه و عصر خلافت خلفای راشدین رضوان الله علیهم، نمونه کاملی از خلافت راشدہ بود که نمایندگی کامل طرز

این مقاله در سال ۱۹۵۹ م، توسط امام سید ابوالحسن علی حسنی تحت عنوان «خليفة راشد امير المؤمنين علي ابن ابي طالب» نگاشته شده است. در این مقاله پس از ضرورت تحقیق پیرامون سیره حضرت علی - رضی الله عنه - چنین آمده است: به عقیده نویسندہ این تغییر صحیح نیست که بگوئیم خلافت راشدہ و اعضای چهارگانه آن عبارت از یک مجموعه چهار نفری بودند که سیستم فکری مختلف و اهداف جداگانه و خط مشی متفاوت و سیاست‌های مستقل داشتند که بر حسب اتفاق زنجیرة خلافت و رهبری اسلامی، آنان را به هم ارتباط داده بود و آنان هیچ وجه اشتراکی جز ایمان و اخلاص و صداقت و حقانیت نداشتند. عده‌ای از نویسندگان که می‌خواهند خود را به عنوان محقق و پژوهشگر تاریخ معرفی کنند و تحقیقی نوینی ارائه دهند. خلافت راشدہ را به دو قسم و خلفای راشدین را به دو گروه تقسیم می‌کنند قسم اول یا عصر نخستین خلافت راشدہ را به عصر ترقی و پیشرفت اسلام و عصر دوم را به دورة تنزل رکود آن تعبیر می‌کنند. صدیق اکبر و فاروق اعظم را امام و پیشوای عصر اول و عثمان غنی و علی مرتضی را پیشوای عصر دوم می‌دانند. بنظر اینجانب این تقسیم بندی از جسارت کافی نیست، و معتقدم که هر یک از این چهار نفر، مظهر و آئینہ تمام نمای و مصداق کامل خلافت نبوی بودند. اگر فرق مراتب و تفاوت درجات بر اساس قضای و مناقب شخصی را کنار بگذاریم، خواهیم دید که طبیعت و روح خلافت در همه آنان بطور کامل و مساوی وجود داشت.

خلافت راشدہ چیست؟

خلافت راشدہ نه بر وسعت و پهناوری مملکت اسلامی اطلاق

۱- صاع، پیمانہ‌ای است معادل سه کیلو، (فرهنگ عمید - مترجم)

تفکر و زندگی نبوی را بر عهده داشت.

حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه -

نخستین جانشین رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در واقعه ارتداد استقامت و پایداری بی نظیری از خود نشان داد و در برابر تمام قبایل عرب با عزمی آهنین و اراده‌ای محکم، به همراهی سپاه اندک اسلام، جنگید و همچنین در آن اوضاع بحرانی که پایتخت اسلام (مدینه منوره) در خطر تهاجم دشمن قرار داشت و اسلام با کمبود نیرو مواجه بود، اصرار ورزید که آرزوی پیامبر را - بدون در نظر داشتن اوضاع و موانع تحقق بخشد. چنانچه در همان شرایط سخت، سپاه اسامه را به سوی شام گسیل داشت و از سوی دیگر در هوان اوضاع بحرانی، قاطعانه تصمیم گرفت تا با دو ابر قدرت جهان (روم و ایران) بجنگد، همانا هر یک از این اقدامات شجاعانه نمونه‌هایی از ایمان و یقین و اطاعت هستند که نظیر آنها فقط در تاریخ انبیاء و خلفای اولو العزم (صاحبان کوشش و استقامت) یافت می‌شود. همچنین در دوران خلافت خویش زندگی زاهدانه‌ای اختیار نمود که نمی‌توانست با حقوق دریافتی از بیت المال حتی برای یکبار شیرینی تهیه کرده و دهان فرزندان خود را شیرین کند آن هم در زمان تسلسل فتوحات و غنائم و فراوان بودن مال و ثروت.

علاوه بر آن در لحظات پایانی عمر زمین شخصی خود را فروخت و مبلغی را که در دوران خلافت (با تصویب مسلمین) بعنوان حقوق دریافت نموده بود، مسترد نمود. و وصیت کرد که تمام وسایلی که در زمان خلافت از آنها استفاده می‌کرده به بیت المال برگردانده شود. همانا این وقایع مظاهری که شاید نظیر آنها در زندگی هیچ فردی جز انبیاء و جانشینان بر حق آنان یافت نشود، حقا که این مظاهر تجلی همان نوری هستند که حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - به شرف جانشین اول ایشان مفتخر گردید. (۱)

حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه -

همچنین حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - در جنگهای روم و شام و نبردهای قادسیه و یرموک بجای اینکه بر تعداد لشکر و نیروی نظامی تکیه کند، بر امداد و نصرت خدا و اعمال و اخلاق

سپاهیان اسلام و تعلق و رابطه مستحکم آنها با خدا تکیه و اعتماد نمود. در جنگ یرموک که نبردی به سختی آن کمتر در تاریخ اسلام پیش آمده است فرمانده دلاور و متهور و سردار محبوب و پیروز سپاه اسلام حضرت خالد بن ولید (۲) را از مقام فرماندهی سپاه اسلام برکنار نمود و حضرت ابو عبیده را به جای او نهاد

۱- حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - پیش از خلافت، از بازرگانان و ثروتمندان عرب بود که همه دارائی خود را برای پیشرفت اسلام و رفاه مسلمین مصرف کرد و روزی که در رکاب پیامبر بزرگ اسلام به مدینه هجرت کرد، همه دارائی نقدی خود را به منظور خدمت به رسول الله و یاری مهاجران به همراه داشت. (مترجم) به این مقام برگزید، همانا هر یک از این اقدامات ایشان و نیز محاسبه دقیق و قاطعانه بزرگترین فرماندهان و مسئولان ارشد کشوری و همچنین محاکمه پادشاهی مقتدر چون «جبله الایهم» (۳) بمنظور گرفتن حق یک مستضعف، نمونه‌هایی از ایمان و اطاعت هستند که از امتیازهای طبیعت نبوی، صفات بارز خلافت راشدین بشمار می‌روند. زهد و فداکاری ایشان نیز در سال

۱- حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - پیش از خلافت، از بازرگانان و ثروتمندان عرب بود که همه دارائی خود را برای پیشرفت اسلام و رفاه مسلمین مصرف کرد و روزی که در رکاب پیامبر بزرگ اسلام به مدینه هجرت کرد همه دارائی نقدی خود را به منظور خدمت به رسول الله و یاری مهاجران به همراه داشت. (مترجم)

۲- خالد بن ولید - رضی الله عنه - فرمانده و سردار رشید و متهور سپاه اسلام بود در هر جبهه‌ای که شرکت می‌کرد پیروز سربلند باز می‌گشت تمام جائی که مردم پیروزی اسلام را بسته به وجود او می‌دانستند حضرت عمر - رضی الله عنه - بخاطر اینکه این اندیشه را از ذهن مردم بیرون کند و اعتماد آنان را به مشیت الهی استوار گرداند خالد را در سخت‌ترین نبرد که به وجود او نیاز داشت برکنار کرد تا مردم بدانند که پیروزی و شکست اسلام وابسته به فرد نیست. (مترجم)

۳- جبله قبل از اسلام یکی از شاهان اعراب بنی غسان بود، روزی در اتناع طواف کعبه یکی از حجاج پای خود را ناخودآگاه بر روی لباس بلند او که بر زمین افتاده بود گذاشت جبله به چشم آمد و یک مشت محکم بر بینی آن مرد نواخت که خون از بینی او جاری شد، آن مرد نزد حضرت عمر شکایت کرد آنحضرت بدون تبعیض، مطابق مساوات و عدالت اسلامی، شاه غسال را محاکمه کرد. مترجم

قحطی (عام الرماده) او را بر آن داشت که تا پایان دوره قحطی هر نوع غذایی را که عموم مسلمین در مملکت پهناور ایشان به آن دسترسی نداشتند بر خود تحریم نماید تا جایی که مسلمین نگران شدند که اگر قحط سالی زیاد طول بکشد ایشان جان خود را از دست خواهند داد^(۱) این طرز عمل و سراسر زندگی زاهدانه و ساده ایشان که عنوان ضرب المثل به خود گرفت، پرتوی بود از زندگی ساده رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و جانشین اول ایشان که حضرت عمر - رضی الله عنه - نیابت آنان را عهده داشت.

حضرت عثمان ذوالنورین - رضی الله عنه - (۲)

حضرت عثمان - رضی الله عنه - در برابر فتنه جو عزم و یقین راسخ استقامت و پایداری فوق العاده از خود نشان داد و در نهایت مظلومانه به شهادت رسید همچنین در آن برهه از زمان که اسباب ثروت و آسایش فراوان و مسیر بود زهد و ایثار را که میراث دو پیشرو او بود پیشه کرد و علی رغم فراهم بودن قدرت و ثروت، در زندگی شخصی خویش، از خوشگذرانی و تجمل پرستی دوری نمود، بطوری که برای میهمانان و عموم مسلمین، بهترین غذاها را تهیه می نمود و خود در خانه از نان خشک و غذای ساده استفاده می کرد. همانا این طرز عمل، همان خلقت زیبای خلافت راستین بود که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به تن او پوشانده بود و از بیرون آوردن آن انکار می نمود.^(۳)

حضرت علی مرتضی - رضی الله عنه -

همین خصوصیات اخلاقی و همین خط مش و روش زندگی نبوی، در زندگی آخرین حلقه این زنجیره طلایی، یعنی حضرت علی مرتضی - رضی الله عنه - پسر عموی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به وضوح نمایان است اگر غبارهای جنگ و صفین از چهره این طلای ناب و جوهر خالص زدوده شود، درخشندگی این گوهر آبدار چشمها را خیره خواهد ساخت و تمام خصائص خلافت نبوت که در سه خلیفه قبل، مشترک بود آشکار خواهد شد. خواهیم دید که او نیز قانون و اصول را در برابر سیاست و مصلحت شخصی مقدم داشته برای بقا و استحکام خلافت از شیوهها تدابیری که صاحبان حکومت

اختیار می کنند و مناسب شأن آنانند از خلافت نبوت، نیست، اجتناب نمود، و بی باکانه آن دسته از عمال حکومت را که در نظر وی بر معیار بلندی از زهد و پارسایی که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و خلفایش بر جای گذاشته و با روح خلافت تناسب داشت منطبق نمی آمدند معزول نمود. بخاطر حفظ اصول و عقیده و باقی گذاشتن خلافت بر «منهاج نبوت» وظایف خطیر و ناگواری را متحمل شد گر چه این وظایف بر دوش او سنگینی می کرد اما به مقتضای عقیده و یقین مؤمن و نیاز زمان، آنها را با جان و دل خرید. تمام مدت خلافت را در مجاهدات، درگیریها و سفرهای مستمر گذرانید اما هیچگونه یأس و ناامیدی به دل راه نداد و اظهار خستگی ننمود، از دوستان

۱- در سال ۱۷ یا ۱۸ هجری سرزمین حجاز دچار خشک سالی و قحطی شد امیر المؤمنین ضمن هر گونه اقدام لازم برای مقابله با بحران خشکسالی به خاطر همدردی با مسلمین، سوگند خورد تازمانی که آثار قحطی به کلی رفع نشود، شکم سیر نخورد و از تناول هر غذایی که عموم مسلمین حتی فقراء به آن دسترسی ندارند پرهیز کند. در نتیجه، غم و اندوه بینوایان و آثار سوء تغذیه ایشان را بسیار آزوده و نحیف گردانید و هر کس او را می دید می گفت: «اگر این قحطی به زودی رفع نشود، عمر از غم بینوایان جان خود را از دست خواهد داد» گویا به زبان می گفت:

من از بینوایی نیم روی زرد

غم بینوایان رخم زرد کرد

چو بینم که درویش مسکین نخورد

بکام اندرم لقمه زهراست و درد

مترجم

۲- حضرت عثمان - رضی الله عنه - وقتی در محاصره آشوبگران قرار داشت، حضرت علی از او خواست تا اجازه دهد با شورشیان مقابله شود، در جواب، خطاب به حضرت علی و مهاجران و انصار و کسانی که نزد او بودند و تعدادشان بیش از هفتصد نفر بود، گفت: «همه شما را سوگند می دهم که به خانوادههای خود برگردید و بخاطر من قطره ای خون بر زمین نریزد» به گفته خاجوی کرمانی: بعد از عمر خلافت بدو حلال او خون حلال کرده و خون خواستن حرام. مترجم

۳- می دانیم که حضرت عثمان - رضی الله عنه - پیش از تصدی مقام خلافت از بزرگترین بازرگانان و سرمایه داران عرب بود که دارایی خود را در راه رفاه مسلمین و تجهیز سپاه مصرف کرد و روزی که به شهادت رسید دارایی او نسبت به قبل از خلافت بسیار کمتر بود. مترجم

هستند آنان به این معنا خلفای راشد هستند که بینش و میراث پیامبر به آنان منتقل شد و آنها در این بینش و روش از او پیروی نموده نیابت کامل وی را انجام داده‌اند. افراد نادان و کوتاه اندیش فکر می‌کنند که مسئله جانشینی پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - که نیز مانند جانشینی ک پادشاه یا فرمانروای یک منطقه بوده است و قضیه در مورد برخورداری شخصی خلیفه و بستگان او از امکانات و مزایای دولت و احراز است‌های -- مهم برای خویشاوندان خود بوده است، حالانکه قضیه در مورد انجام وظائف نبی و داشتن زندگی ساده و فقیرانه و سرشار از ایثار و فداکاری بود مسئله خدمت و راحت رسانی به خلق و کمتر برخوردار شدن از اسباب دنیا و خود را در معرض خطر و مشقت قرار دادن بود و شکی نیست که هر یکی از خلفای راشدین به نوبه خود، این حق را اداء نموده و در عمل به جهانیان نشان داده‌اند.

نبوت و خلافت

نبوت، خلافت الهی است و خلافت راشده خلافت نبوی است یکی از بزرگترین اخلاق و صفات الهی صفت بی نیازی (صمد) است و شأن آفریدگار یکتا این است که «یطعم و لا یطعم» (یعنی همه را روزی می‌دهد و خود از کسی روزی نمی‌گیرد) این صفت ویژه خداست که انسان به آن مقام نمی‌رسد، نداده اما درجه نهائی اش که در مورد انسانها صدق می‌کند این است که بکوشند تا دیگران را بیشتر بهره‌مند کنند و خود کمتر بهره‌مند شوند. تا جائیکه مربوط به صفت «یطعم» (بخشیدن به دیگران) است دست بالا و همت بلندی داشته باشند و نسبت به «یطعم» (گرفتن از دیگران) خودداری و استغنا پیشه کنند.

عدیل همت ساقیست فطرت عرض

که حاتم دگران و گدای خویشان است

به نظر من دوره کوتاه خلافت راشده (که از سی سال متجاوز نبود) برای تمام ادوار و مراحل آینده زندگی اسلامی سرمشق و الگو می‌باشد و برای هر یک از دوره‌های ناگزیری که در پیش داریم رهنمائی وجود دارد. حیات طیبه و خلافت راشده حضرت ابوبکر صدیق - رضی‌الله‌عنه - رهنمودی است برای اینکه در آغاز کار و اوضاع بحرانی و در حین پیمودن مراحل ترقی و پیشرفت،

شکوه و گلایه و از دشمنان بدگونی نکرد آرزوی راحت طلبی و انتظار ستایش و تجلیل از کسی نداشت. غم و اندوه گذشته و نگرانی آینده او را نمی‌آزرد از فداکاری و از دست دادن آن نمی‌حراسید. وظیفه شناس و سخت کوش بود، صبری چون دریا و استقامتی همچون کوه و وظیفه‌شناسی چون هوا و ابرها داشت، گوئی همانگونه که شمشیر ذوالفقار دست او مطیع و بی زبان بود او نیز در دست قدرت ذاتی دیگر، مطیع و از گلایه و شکوه بود. ایمان و اطاعت درجه‌ای دارد که برای «صدیقان» حاصل می‌شود لیکن شناخت آن آشنائی با مشکلات آن کار صاحبان ذوق و صاحب نظران است از اینجاست که شناخت زندگی و شخصیت بزرگ حضرت علی است بزرگ و امتیازی است ویژه برای اهل سنت، در محیط و شرایط ناگوار که این مظاهر به غیب و جذب به اطاعت به ظهور پیوست با محیط و شرائط خلفای پیشین متفاوت می‌شود به همین دلیل بسیاری از مورخان و اهل قلم و مدعیان تفکر و اندیشه از درک واقعیت عاجز مانده‌اند. آن چه اینان آن را فتنه داخلی و خانه جنگی مسلمین می‌نامند، ما حضرت علی را در این باره نه تنها معذور، بلکه مأجور نیز می‌دانیم. گر چه ما معتقدیم که طرف مقابل (اهل شام) مرتکب خطای اجتهادی بودند ولی گمراه و فاسق دانستن آنان جایز نیست و نیز معتقدیم که آنچه حضرت علی - رضی‌الله‌عنه - در زمان خلافت خویش انجام داد بر اساس انگیزه ادای وظیفه و روح ایمان و اطاعت انجام داد. به همین دلیل، این اعمال برای وی موجب رفع درجات و نزدیکی با خدا می‌باشند. زندگی زاهدانه حضرت علی - رضی‌الله‌عنه - پرتو کامل خلافت نبوت و نور خلافت صدیقی و فاروقی بود. در آن زمان زاهدان و پارسایان بزرگ نمی‌توانستند در این زندگی ساده و فقیرانه باوی برابری کنند، سر انجام کارگزاران حکومتی منتخب از سوی خودش و خویشان نزدیک حتی برادر حقیقی اش عقیل بن ابی طالب نیز نتوانست با او همگام باشد. در حقیقت روحیه ایمان به غیب و یقین به آخرت که رسول الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - در صحابه کرام پدید آورده بود «فکر و اندیشه» سیرت و اخلاق، زندگی و کردار و سیاست آنها را در قالبی نوین قالب بندی نموده بود که در تنگی و راحت، پیروزی و شکست، فقیری و حکومت بطور یکسان نمایان بود و آشکارترین و نیرومندترین معجزه این اعمال، خلفای راشدین

بود و مسلمین برای دوران فتنه و هرج و مرج، امام و پیشوایی نداشتند که از او پیروی کنند. برای امتی که مقدر بود تا قیامت باقی بماند و از تمام ادوار انسانی و فراز و نشیب‌های تاریخ بگذرد؛ لازم بود که نمونه‌ای از هر دو شیوه پیش روی داشته باشند، لذا خلافت راشده با تمام اعضای خود این نمونه‌ها را فراهم و این راهنمایی را تکمیل نمود. خداوند از ابوبکر، عمر، عثمان و علی راضی باد و آنان را از خود خشنود نموده عزت بخشید و از سوی اسلام و امت اسلامی، پاداش نیکو عنایت فرماید. آمین

به چه نیرویی از استقامت و ایمان و یقین نیاز داریم. دوره خلافت فاروقی الگوئی است برای اینکه در زمان صلح و امنیت و اوج ترقی چگونه از ایمان و استقامت بهره جست، و زندگی حضرت عثمان و علی (رض) آئینه تمام نمائی است که به ما می‌آموزد هنگام آشوب و فتنه هرج و مرج و بی نظمی چه نیروئی از ایمان و یقین، استقامت و پایمردی، شجاعت و دلیری لازم است. اگر در تاریخ اسلام فقط دو باب از خلافت راشده وجود داشت (که در واقع دو فصل از یک باب هستند) و فقط خلافت صدیقی و فاروقی نمونه می‌بود، در آن صورت این راهنمایی ناقص و ناتمام

